

وظیفه ما در برابر امام مهدی عج

پنجشنبه، ۴ خرداد ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

در آستانه رمضان ۹۶ هستیم و ماه شعبان و بعد از نیمه شعبان است. شب جمعه‌ای که مربوط به نیمه شعبان بود چند جمله‌ای در مورد امام زمان صحبت کردیم. در این ۲۷ دقیقه که می‌خواهم صحبت کنم تقریباً بحث‌های ما دور و بر نیم ساعت است. از ۲۷ دقیقه تا ۳۱ دقیقه. با کم و زیادش، می‌خواهیم صحبت کنیم که تکلیف ما چیست؟

راجع به امامت و وظیفه ما چند چیز است. بسم الله الرحمن الرحيم، موضوع: وظیفه ما در مورد حضرت مهدی عج. ۱ - اول معرفت و شناخت. ۲ - مودت و علاقه ۳ - اطاعت

۱ - قرآن و عترت در کنار یکدیگر:

اول باید امام را بشناسیم. کیه؟ امام ید الله است. یعنی دست خدا در زمین است. حجت خداست. نور خداست. یک کسی گفت: ما نیاز به پیغمبر و اینها نداریم ولی آیا می‌توانیم بگوییم: قرآن ما را بس است؟ خیلی از مسلمان‌ها قرآن می‌خوانند و حافظ قرآن هم هستند. به اهل بیت سر و کاری ندارند. می‌شود بگوییم: ما هستیم و قرآن، مثل اینکه بچه‌ها بگویند: ما کتاب می‌خواهیم، معلم نمی‌خواهیم. ما دارو می‌خواهیم و پزشک نمی‌خواهیم. دارو بدون پزشک، کتاب بدون معلم امکان ندارد. کج می‌روند کما اینکه کج رفتند. ما باید شناخت داشته باشیم.

یک آیه هست به نظرم حفظ هستید. بسم الله الرحمن الرحيم. اول سوره بقره است «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲) قرآن به تنهایی کافی نیست. دلیل؟ قرآن می‌گوید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» خود قرآن می‌گوید: من هدایت می‌کنم. اما به پیغمبر می‌گوید: «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي» (شوری/ ۵۲) قرآن خودش کتاب هدایت هست اما بدون آدم نمی‌شود. به پیغمبر می‌گوید: تو باید هدایت کنی. قرآن موعظه هست، این کلمه‌ها همه در قرآن هست. آیه داریم می‌گوید: من موعظه می‌کنم اما موعظه قرآن کافی نیست. خدا به پیغمبرش می‌گوید: «وَ عِظُهُمْ» (نساء/ ۶۳) تو هم موعظه کن. یعنی آدم هم می‌خواهیم.

قرآن بیان است. «هذا بیان» (آل عمران/ ۱۳۸) اما بیان قرآن کافی نیست. به پیغمبر می‌گوید: «لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» (نحل/ ۴۴) تو هم باید برای مردم بیان کنی. خود قرآن بیان است، اما همین بیان نیازی به بیان دارد.

قرآن ذکر است. یادآوری است اما خدا به پیغمبر می گوید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ» (غاشیه/ ۲۱) تو هم باید تذکر بدهی. آیات زیادی داریم. دارم چه می گویم؟ «حسبنا کتاب الله» قرآن بس است. ما می گوئیم: خود قرآن، می گوید: نه بس نیست. دلیل؟ با اینکه گفته: من هدایت هستم، به پیغمبر می گوید: تو هم باید باشی، «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي» تو باید هدایت کنی. با اینکه قرآن کتاب موعظه است به پیغمبر گفت: تو باید موعظه کنی، با اینکه قرآن «هذا بیان» قرآن بیان است، به پیغمبر فرمود: «لَتُبَيِّنَ» تو باید بیان کنی. با اینکه قرآن ذکر است، «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ» (حجر/ ۹) یعنی «نحن نزلنا القرآن» به پیغمبر می گوید: تو باید... اینکه ما بگوئیم، این برای شناخت است. بدون اهل بیت نمی شود.

۲ - خطر کنار گذاشتن اهل بیت علیهم السلام و جانشینان آنان:

آنهایی هم که اهل بیت را کنار می گذارند، قربان گوی یک آدمهای ناکس دیگر می شوند. یک کسی می گفت: این ولایت فقیه در جمهوری اسلامی چیست؟ همه دنیا با رئیس جمهور اداره می شوند، شما یک چیزی به نام ولایت فقیه بالای سر همه آوردید. این کجا بود؟ می گوئیم: تمام دنیا ولایت فقیه دارند. منتهی ما عربی می گوئیم، اینها فکر می کنند چیز تازه ای است. ولایت فقیه یعنی چه؟ یعنی هر کجا اختلافی پیش آمد، بین آدم ها و مسئولین، یک نفر حرف آخر را بزند و فتنه را تمام کند. خود آمریکا ولایت فقیه دارد. رئیس جمهور قبل بوش بود. بین بوش و رقیب او در انتخابات اختلاف بود. قوه قضاییه آمد قیچی کرد و گفت: حق با بوش است. ولایت فقیه یعنی وقتی اختلاف می شود یک نفر حرف آخر را بزند. دیگر همه در برابر او تسلیم شوند. منتهی زنده باد جمهوری اسلامی، می گوئیم: آن نفری که می خواهد حرف آخر را بزند، یک مجتهد عادل باشد. وگرنه تمام کشورهای دنیا هر جا اختلاف می شود یک نفر حرف آخر را می زند، حالا یا شاه حرف آخر را می زند، یا رئیس جمهور حرف آخر را می زند. یا قوه قضاییه حرف آخر را می زند. نصفش را من می گویم و نصفش را شما بگوئید. همیشه روی کره زمین اختلاف وجود دارد و باید اختلاف به نحوی حل شود. و در همه کره زمین در هر کشوری وقتی اختلاف شد یک نفر حرف آخر را بزند. زنده باد جمهوری اسلامی که حرف آخر را یک مجتهد بزند. منتهی ما اسمش را ولایت فقیه گذاشتیم اینها وحشت کردند که ولایت فقیه چیست؟ بالاخره ما باید مطمئن باشیم کسی حرف آخر را می زند که او را دیگر خام نکنند و سرش کلاه نگذارند. این مسأله مهمی است. ما اهل بیت می خواهیم.

۳ - حجّیت قول مراجع تقلید و ولی فقیه:

سؤال: خوب گوش بدهید. شما نسل نو هستید و باید این حرف‌های مرا دقت کنید. آیا ولایت فقیه اشتباه نمی‌کند؟ چرا ممکن است اشتباه کند. پس چرا ما باید به حرفش گوش بدهیم؟ جواب: آیا دکترها اشتباه نمی‌کنند؟ بگویید. ممکن است یک دکتر یک قرص را اشتباه بدهد یا آمپول را اشتباه بزند. ممکن است دکتر اشتباه کند. اما ما وظیفه داریم هرچه دکتر گفت، گوش بدهیم. ما وظیفه داریم به حرف دکتر گوش بدهیم، مریض شدیم به نسخه دکتر عمل کنیم. بله ممکن است در صد نسخه، در هزار نسخه، یک قرص اشتباه هم باشد. احتمال اشتباه دلیل بر این نیست که... آقا راننده‌ها هیچکدام تصادف نمی‌کنند؟ چرا ممکن است تصادف کنند. ولی ما وقتی دیدیم راننده گواهی‌نامه دارد، باید سوار ماشین او شویم. ما گواهی‌نامه ببینیم سوار می‌شویم. حالا ممکن است در صد سفر یک پنچری هم ایجاد شود. این هم جواب این سؤال که می‌گویند: مگر ولایت فقیه معصوم است؟

آقا مراجع تقلید معصوم هستند؟ نه! خوب اگر معصوم نیستند، چرا به ما می‌گویید: از مراجع تقلید کنید؟ جواب: به دلیل اینکه مراجع هم از کت و شلواری‌ها تقلید می‌کنند. تمام مراجع تقلید هرکدام مریض شوند نزد دکترهای کت و شلواری می‌روند، هرچه آقای دکتر کت و شواری گفت، مرجع تقلید می‌گوید: چشم! همینطور که آیت الله العظمی گوش به حرف جناب دکتر می‌دهد، دکتر هم باید گوش به حرف آیت الله العظمی بدهد. تقلید یعنی رجوع به کارشناس. ساختمان را باید به مهندس داد. لباس را باید به خیاط داد. تقلید یعنی رجوع به کارشناس. اصلاً روی کره زمین یک نفر نیست که تقلید نکند. شما روی کره زمین یک نفر را پیدا نمی‌کنی که لباسش را به خیاط ندهد. ساختمانش را به معمار و مهندس ندهد. مریض می‌شود دکتر نرود. تقلید یعنی رجوع به کارشناس. منتهی زنده باد ما که می‌گوییم: کارشناس ما باید اعلم باشد. یعنی باسوادترین، با تقوا ترین، ما از همه عاقل‌های دنیا عاقل‌تر هستیم. چون عاقل‌های دنیا به کارشناس رجوع می‌کنند. ما می‌گوییم: هر کارشناسی نه! کارشناسی که عالم باشد. عادل باشد، سوادش بیشتر باشد. چه باشد و چه باشد...

۴ - تأکید پیامبر اکرم بر پیروی از دوازده امام معصوم علیهم‌السلام:

ما نیاز به اهل بیت داریم. آنهایی که دستشان را از دست اهل‌بیت برداشتند، دستشان را در دست چه کسی گذاشتند؟ به امام حسین پشت کردند و دستشان را در دست یزید گذاشتند. روایات زیادی داریم که پیغمبر فرمود: اصلاً یک کتاب‌هایی هم نوشتند. آیت الله صافی از مراجع تقلید کتابی نوشته، «جلاء البصر فی

اثبات ائمه الاثنی عشر» یعنی روایت‌هایی که شخص پیغمبر گفته: امامان بعد از من، خلفای من دوازده نفر هستند. دوازده نفر هم اسم‌هایشان آمده است. در بعضی روایت‌ها داریم که دوازده تا مهدی هستند. منتهی حضرت مهدی امام دوازدهم است ولی لقب مهدی رویشان هست. اولشان امیرالمؤمنین است و آخرشان امام زمان علیه السلام است. آنهایی که اهل بیت را قبول ندارند، این حدیث‌ها را دیدند. پیغمبر فرمود: بعد از من دوازده نفر هستند. قاطی کردند. گفتند: این دوازده تا را از کجا می‌آوری؟ می‌گوید: این هم جزء آن کن. از بنی عباس آوردند. از بنی امیه آوردند. هرکاری می‌کنند دوازده تا جور نمی‌شود. این را قبول دارند که پیغمبر فرمود: بعد از من دوازده رهبر شما دارید. ما دوازده تا شیعه هستیم. الحمدلله رب العالمین! آنهایی که این دوازده تا ما را قبول ندارند، افتادند که دوازده نفر را چطور جور کنند؟ هرکاری می‌کنند جور نمی‌شود. جانشین معصوم باید معصوم باشد. جانشین پیغمبر معصوم نمی‌تواند هرکس شد، برسد. کیلویی نیست! صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

۵ - مودت به اهل بیت علیهم السلام بر اساس معرفت:

وظیفه ما: این است که امام را بشناسیم. بی‌خود دستمان را در دست هرکسی نگذاریم. دوستش هم داشته باشیم، مودت! به امام باید معرفت که داریم، دوستش هم داشته باشیم. چون شما الآن کوه هیمالیا را می‌شناسی، اما دوستش هم داری؟ نه، کاری با آن نداری. صرف اینکه ما شیعه هستیم و دوازده امام داریم کافی نیست. باید به اینها عشق بورزیم. چطور عشق بورزیم؟ باید فضایلشان را بشنویم. نسل نو را به سمت این ببریم که امام صادق که بود؟ امام رضا که بود؟ از هر امامی چند جمله و چند فضیلت را بگوییم. به خصوص امام زمان علیه السلام که امام حی ما هست باید نسبت به او مودت داشته باشیم. اسم مهدی روی بچه‌مان بگذاریم. اسم امامان را بگذاریم. بعضی‌ها می‌خواهند روشنفکر شوند، سر از خل بازی در می‌آورند. باز روشنفکر عاقل خوب است. روشنفکر خل داریم. اسم دخترش را فینیا گذاشته است. می‌گوییم: یعنی چه؟ می‌گوید: اسم یک تیغی است در بلغارستان! روشنفکر خل این است. این همه گل در ایران است، رفته اسم یک تیغ در بلغارستان را گذاشته است. دلش می‌خواهد... بعضی‌ها یک مرضی دارند.

امام کاظم فرمود: اینهایی که دست به کارهایی می‌زنند کمبود دارند، می‌خواهند مطرح شوند. از کمال هم نمی‌توانند، دست به کاری می‌زند که مردم به او نگاه کند. دارد با موتور می‌رود. بعد می‌خواهد او را نگاه کنند. می‌بیند کسی نگاهش نمی‌کند. این چرخ جلو را بلند می‌کند. همین که چرخ جلو را بلند می‌کند یعنی ای...! این دختر کمالی دارد، اگر کمالی داشته باشد بخاطر کمالش مورد احترام است. اما اگر کمال نداشته

باشد، برمی دارد بند کفشش را یا نمی دانم یک لباسش را، دست به کاری می زند که بلکه با آن کار مردم به او نگاه کنند. کلاهش را یک طور می گذارد. صدای موبایلش را صدای گاو گذاشته است. (خنده حضار) این آقا یک کمبودی دارد. می خواهد او را نگاه کنند. می گوید: چه کنم مردم به من نگاه کنند. می گوید: زنگ موبایل را صدای گاو بگذار. این دلش خوش است. مواظب باشید اگر طلای واقعی را نگیریم، طلای بدلی را به ما خواهند داد. اگر «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» (یونس / ۳۲)

امام را بشناسیم. کمالاتش را بشناسیم. بعد اطاعت کنیم. امام زمان به ما پیغام داده وقتی من نیستم بروید پیدا کنید کسی که هم فقیه باشد، فقیه غیر از عالم هست. فقیه یعنی بالای پنجاه سال درس خوانده باشد. عالم نه، ممکن است کسی دیپلم بگیرد و دانشگاه برود و طلبه شود، بیست سال درس بخواند عالم شود. فقیه یعنی بالاترین درجه قدرت علمی را داشته باشد. بالاترین درجه تقوا را داشته باشد. بروید پیدا کنید اطاعت کنید.

۶ - پرداخت سهم امام علیه السلام به مرجع تقلید:

سهم امام را هم بدهیم. حالا شما پول ندارید ولی مسأله اش را بدانید. امام گفته: وقتی درآمد داریم، زندگی ات را تأمین کن، آن مقداری که مورد نیاز است. منتهی نه اشرافی! اگر خرج اشرافی کنی باز هم باید خمس بدهی. مثلاً می گویند: قالی خمس ندارد. می گوید: ... قالی خمس ندارد پس پول هایم را قالی بخرم. همه اتاق هایم را قالی ابریشمی می خرد چون می خواهد خمس ندهد، می گوید: قالی بخرم، یک چیزهایی بخرم که بگوید: مگر شما نمی گویند: لوازم خانه خمس ندارد؟ خوب من هم یک چیزهایی برای لوازم خانه خریدم. لوازم خانه ای خمس ندارد که مردم سوت نکشند. اگر کسی خانه شما آمد قالی های ابریشمی را دید، گفت: او... همین که سوت کشید پیداست خمس دارد. انگشتر تو چند است؟ اگر گفتند: انگشتر پنج تومان، ده تومان، بیست تومان، سی تومان، چهل تومان، پنجاه تومان، شصت تومان، خمس ندارد. اما اگر گفتند: انگشتر چند است؟ گفتم: دو میلیون! دو میلیون!!! او... تا سوت کشیدند پیداست خمس دارد. یعنی چه؟ یعنی زندگی شما معمولی نیست. زندگی معمولی خمس ندارد. خانه شما یخچال چند فوت می خواهد. تلویزیون چه می خواهد، فرشش چه باشد. مقداری که مردم سوت نکشند نوش جان! اگر زیادی آمد باز از صد میلیون هشتاد میلیون نوش جان، آن بیست میلیون برای امام زمان است.

آقای قرآنی! ما در جمهوری اسلامی چند تا پول باید بدهیم. یکبار به آقا به عنوان خمس بدهیم و یکبار هم مالیات به دولت بدهیم؟ مالیات را از ما می گیرند و از حقوق ما برمی دارند. با بودن مالیات چرا باید خمس بدهیم؟ جواب: خوب گوش بدهید. اینها را به شما خواهند گفت. اصلاً چرا باید به آخوندها بدهیم؟ برای

اینکه این صد میلیون که داری هشتاد میلیونش را طبق هوس خودت خرج کردی. بیست میلیون را به یک آدم بی هوس بده. آقا من قبولش ندارم. یک آخوندی که قبول داری، به او بده. یک آدم خوبی که روی کره زمین هست یا نه؟ اگر در شهر یک نانوايي باز است. آمدی در خانه گفتی: آقا، نانوايي ها بسته هستند. می گوید: بین گیرم همه نانوايي ها بسته است. یک نانوايي باز نبود؟ می گوید: اگر یک نانوايي باز است، تو باید نان بگیری و برای زن و بچه ات ببری. یک آدم خوب که باشد شما حق نداری بگویی: چون فلانی بد شد، فلانی هم بد شد. حالا که فلانی و فلانی و فلانی بد شدند، پس من دیگر نیستم. نخیر باید باشی. حالا که آن نانوايي بست و آن نانوايي بست، پس دیگر بدون نان خانه برویم. یک نانوايي باز باشد شما حق نداری بدون نان خانه بروی. یک آدم خوب روی کره زمین نیست. پیداست بعضی ها مریض هستند.

آن کسی که به ته دلت می چسبد، تقلید اجباری نیست. هیچکس نمی گوید: تو باید از این تقلید کنی. خودت با سوادترین، با تقواترین را انتخاب کن. بیست درصد برای این است که زیر نظر... بله می توانی به آقا بگویی: ما یک همسایه داریم، یک فامیل داریم فقیر است. شما اجازه می دهی خمس را به او بدهم؟ از آقا اجازه بگیر و پولت را به او بدهی. بعد هم بدانی که این پول برای امام زمان است و برای تو نیست. چون اگر من به آقا پول بدهم، ایشان پول را از دست من می گیرد، هر وقت تا آخر عمر مرا ببیند می گوید: حاج آقا سلام علیکم! خدایا سایه ات را از سر ما کم نکند. چرا؟ برای اینکه پولش دادم. باید پول را مرجع تقلید بدهد. اگر هم از مرجع تقلید اجازه می گیرم، بگویم: این پول برای امام زمان است، مرجع تقلید اجازه داد خدمت شما بدهم. شما بدهکار هستی و می خواهی برای جهیزیه دخترت، برای دامادی پسرت، این پول برای امام زمان است، بگذار علاقه این به امام زمان وصل شود. به اسم خودت نده تا او به تو علاقه پیدا کند.

بنده یک آیه ای در قرآن هست یکوقت معنا کردم. مثلاً من داستان راستان مرحوم مطهری را می خوانم. این داستان را آقای مطهری از کجا نقل کرده است. می بینم نوشته المستدرک الوسایل! از کتاب مستدرک نقل کرده است. بنده می گویم: بچه ها گوش بدهید، روایتی است از کتاب مستدرک الوسایل، بیا! خودت مستدرک را دیدی؟ نه. پس از کجا می گویی؟ آخر در داستان راستان است. اینکه کتاب مستدرک را آدرس می دهی، یعنی چه؟ می خواهی به بچه ها حالی کنی که من کتاب مستدرک را خواندم و حال آنکه نخواندی! کسی که کار نکرده را به اسم خودش تمام می کند قرآن می گوید: این قطعاً جهنمی است. «وَيَجْزُونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا» (آل عمران/ ۱۸۸) دوست دارد ستایش شود به کار انجام نداده. کاری را انجام نداده، دلش می خواهد بگویند: نه، ایشان مجتهد نیست، به او آیت الله می گویند. بابا اگر مجتهد نیستی، بگو: به من آیت الله

نگوید. من فقیه نیستم. دکتر نیستم، می گوید: آقای دکتر حالت خوب است؟ آقای مهندس! بگو: آقا من هنوز دکتر نشدم. من هنوز مهندس نشدم. اگر یک لقبی را به تو دادند و می دانی به این لقب نرسیدی، قورتش دادی و گفتی: حالا که دکتر می گویند، بگذار بگویند. بگذار مهندس بگویند. آیت الله می گویند، بگذار بگویند. اگر لقبی به تو دادند که خودت هم می دانی این لقب را نداری زیر سیلی رد کردی و گفتی: بگذار مردم بگویند. قرآن می گوید: این آقا «يُجَبُّونَ» خوشش می آید «يَجِبُونَ أَنْ يُحْمَدُوا» ستایش شود «بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا» به کاری که نکرده است.

۷ - انتظار همراه با تلاش در دوران غیبت امام زمان عجل الله فرجه:

پیغام امام زمان این است که خمس بدهیم. اطاعت کنیم. در انتظارش باشیم. اما معنی انتظار چیست؟ آخر بعضی می گویند: باشد امام زمان خودش می آید درست می کند. انشاءالله امام زمان می آید درست می شود. معنای انتظار این نیست که احتضار باشد. یعنی بنشین مثل کسانی که می خواهند بمیرند، باشد حالا عزرائیل می آید جان ما را می گیرد. یک مثال بزنم.

من این مثال را از مرحوم مطهری شنیدم که مطهری هم از مرحوم راشد شنیده بود. از قول راشد برای من نقل می کرد. در سفری در ماشین خدمت آقای مطهری جایی می رفتیم. در ماشین نشسته بودیم آقای مطهری گفت: این مثال، مثال قشنگی است. برای مرحوم راشد است. راشد یک دانشمندی بود در رادیو صحبت می کرد. مثالی بود. گفت: ما شب که هست انتظار خورشید داریم. مردم در شب منتظر هستند فردا هوا روشن شود. اما هیچکس نیست در تاریکی بنشینند، بگویند: در تاریکی بنشینیم، انشاءالله خورشید خودش بیرون می آید. بله منتظر خورشید باش، اما باید بلند شوی چراغ روشن کنی. زمستان ما منتظر هستیم تمام شود عید بیاید. تابستان شود. اما هیچکس زمستان نمی گوید: چقدر سرد است. منتظر تابستان بیاید! انتظار تابستان معنایش سرمازدگی نیست. انتظار ... کدام مثال بود؟ انتظار روز معنایش این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر روز هستیم و هم در شب لامپ روشن می کنیم. هم منتظر تابستان هستیم، هم زمستان کرسی و بخاری را داغ می کنیم. پس معنای انتظار این نیست که ما هیچ کاری نکنیم.

روایاتی داریم گروهی از مشرق برای امام زمان بازو درست می کنند. ما باید بچه هایمان را یاور حضرت مهدی تربیت کنیم. بچه های ما یاور امام زمان باشند. اگر بچه های ایران یاور امام خمینی نبودند، امام خمینی نمی توانست جبهه ها را با همین ... ده ها هزار نفر از همشاگردی های شما از دبیرستان به جبهه رفتند. باید یاور

باشیم. اگر یاور دین بودیم، دین پیش می‌رود. اگر یاور مرجعیت بودیم اسلام پیش می‌رود. اگر یاور قرآن بودیم، قرآن پیش می‌رود. وظیفه ما اطاعت است.

سؤال‌های ما، یک سؤالی پیش می‌آید باید جواب بدهیم. ممکن است کسی از شما سؤالی بکند، شما نتوانی جواب بدهی. سؤال را به معلمت می‌دهی، معلم هم اگر بلد بود الحمدلله، بلد نبود معلم با تلفن از یک اسلام شناس سؤال را می‌گیرد و جواب می‌دهد. ۱ - امام را بشناسیم. ۲ - دوستش داشته باشیم. ۳ - حرف‌هایش را گوش بدهیم.

مرحله آخر این است که با تحریف‌های کج اندیشی‌ها مخالفت کنیم. راجع به امام زمان مسائلی مطرح است. یکی اینکه در مورد امام زمان یک خبری هم از ایرانی‌ها بگوییم. کلمه ایران نیست ولی به ما می‌خورد. حدیث داریم «يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ» ایران جزء مشرق است. یعنی اروپا و آمریکا برای مغرب است. آنها غربی هستند و ما شرقی، حدیث این است «يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ» یک گروهی از مردم از منطقه مشرق به پا می‌شوند، «فَيَوَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» (سنن ابن ماجه/ ج ۲/ ص ۱۳۶۸) جامعه را برای ظهور امام زمان آماده می‌کنند.

۸ - آمادگی برای جانفشانی در راه امام زمان عجل الله فرجه:

یک کسی خدمت امام آمد گفت: آقا شما صد هزار شیعه داری. بلند شو قیام کن و طاغوت‌ها را ریشه کن کن! امام فرمود: یکی از آن صد هزار شیعه تو هستی؟ گفت: بله. گفت: این تنور روشن است در تنور برو! گفت: آقا اشتباه کردم. ترسید درون تنور برو. همینطور که ترسید گفت: پس بنشین! یک بنده خدای دیگر آمد، گفت: سلام علیکم! امام گفت: سلام علیکم! امام فرمود: درون آتش برو. رفت درون تنور آتش نشست. گفت: الان می‌سوزد! سوخت سوخت! بعد گفت: چند تا از این صد هزار تا تنوری هستند؟ یعنی اگر ما گفتیم، گوش می‌دهند؟ گفت: تنوری هیچکس! شیعه تنوری نداریم. همینطور ادعا داریم...

یک قصه را قرآن نقل می‌کند به نام طالوت و جالوت، می‌گوید: یک جمعیت انبوهی آمدند گفتند: جنگ جنگ تا پیروزی، به پیغمبر گفتند: یک فرمانده بده، ما با طاغوت بجنگیم. دستور جهاد آمد ریزش کردند. گفت: رهبرتان فلانی است. گفت: ما این را قبول نداریم. یکی دیگر! ریزش کردند. قرآن می‌گوید: آیه قرآنی که ما نشان می‌دهیم، به پیغمبر گفتند: نه، این آیه را نه، یک آیه دیگر! نزد پیغمبر آمدند گفتند: این آیات را چه کسی بر شما نازل می‌کند؟ گفت: جبرئیل! گفت: نه جبرئیل نازل نکند. اگر میکائیل نازل کرد ما اینها را می‌خواهیم. آدمی که می‌خواهد بهانه بگیرد، آیه نازل شد « قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلَ » (بقره/ ۹۷) بهانه

می گیرند. ریزش پیدا می کنند مثل کسانی که یک چیزی را نمی خواهند بخرند. می روند در بازار پرسه می زنند. می گوید: آقا این کیلویی چند؟ می گوید: اینقدر! اوه... گران است. می رود! حالا ارزان بود می خریدی؟ نمی خواهد بخرد پرسه می زند. بیکار است و از خانه بیرون آمد پرسه می زند.

گفت: شیعه... آن روایت گفت چند هزار شیعه دارند؟ صد هزار تا، گفت: شیعه تنوری یکی هم نداریم ولی شیعه شعاری داریم. اطاعت کنیم. یکی از شیعه ها خدمت امام آمد. گفت: من درست است شیعه هستم، ولی حقوق من از مخالفین شماست. از حکومت بنی عباس حقوق می گیرم. در دربار هستم. در تشکیلات هستم. امام فرمود: اگر مثل شما دور آنها را نمی گرفتید آنها ما را خانه نشین نمی کردند. شما رفتید دور آنها...

حدیث داریم روز قیامت یک قطره خون پیش سینه اینها می چکد. این خون کجا بود؟ می گویند: یک نفر را به ناحق کشتند، تو در یک قطره شریک جرم هستی. تو ایستادی کف زدی. یک جایی اگر قماربازی می کنند، ولو شما قمار بازی نمی کنی، اصلاً حق نداری به آنها نگاه کنی. نگاه کردی قمار است رد شو. یک کسی را اعدام می کردند به ناحق، تو تماشا کردی. حق نداری بایستی تماشا کنی. یک جایی شراب می خوردند. ولو شما شراب نخوری، اصلاً نباید در آن سفره حاضر شوی. ولو بگویی: نه من نمی خورم، اصلاً نباید در آن جلسه شرکت کنی. معنای اطاعت این است که یک تعصبی داشته باشیم. بعد هم در مورد امام زمان افرادی می گویند: امام زمان کی ظهور می کند؟ حدیث داریم هرکس گفت: امام زمان کی ظهور می کند، بدانید دروغ می گوید. هرکس برای ظهور امام زمان، زمان تعیین کرد، بعضی هستند یک قیافه های سبوح قدوس هم می گیرند. بله! انشاءالله همین ایام تشریف می آورند. از کجا می گویی؟ ممکن است امام زمان پنج هزار سال دیگر بیاید، ممکن است هفته دیگر بیاید. هیچکس حق ندارد برای ظهور امام زمان وقت تعیین کند.

بعضی ادعا می کنند ملاقات است. دروغ می گویند. اینهایی که ملاقات می کنند اولیای خدا هستند و به کسی نمی گویند. آنهایی که می گویند: من یک رابطه با امام زمان دارم، بعضی ها که دیگر امام زمان را با خواب تعیین می کنند. اصلاً خواب هیچ ارزشی ندارد. یک کسی نزد من آمد گفت: امام رضا خواب دیدم که چرا اینقدر برای بدهکاری گریه می کنی؟ برو به قرائتی بگو، قرائتی پول دارد به تو می دهد. (خنده حضار) گفتم: به امام رضا بگو: شما دیگر مثل بعضی بازاری ها چک بی محل نده. اول پول بفرست، بعد حواله! بازاری ها بعضی هایشان چک بی محل می کشند. یک کسی نزد آقای ری شهری آمده بود. زمانی که ایشان مسئول حج بود. گفت: خواب دیدم امام صادق را که گفته: چقدر گریه می کنی برای مکه و مدینه، برو به آقای ری شهری بگو:

تو را مجانی بیاورد. آقای ری شهری گفت: بگو خودش به خواب من بیاید. امام صادق خودش به خواب من بیاید بگوید. من تو را قبول ندارم. خواب دیدم! مگر خواب ارزش است.

یکی از دوستان شش ماه است خانمش با او قهر است. می‌گوییم: چه شده؟ می‌گوید: خواب دیده من یک زن دیگر گرفتم. براساس خواب زندگی‌شان به هم می‌خورد. من خواب دیدم. خواب هیچ ارزشی ندارد. خواب اولیای خدا حسابش جداست.

خدایا معرفتی به ما بده که گول نخوریم. علمی به ما بده که هر شبهه‌ای را جواب بدهیم. شر همه دشمنان فرهنگی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، انواع دشمنی‌هایی که به ما می‌شود، شرشان را به خودشان برگردان. آنچه خیر و برکت در شعبان و رمضان برای بندگان خوبت مقدر می‌کنی، همه را برای همه ما مقدر بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته